

# مشکلات حکومت دینی

علی صفایی حائری (عین. صاد)

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

www.ketab.ir

صفایای حائری، علی (عین-صاد)،  
مشکلات حکومت دینی  
قم، انتشارات لیلۃ القدر، ۱۳۸۸  
۲۳۶ص  
قیما  
حکومت دینی  
اسلام و دولت  
BP ۲۳۱/ص ۷ ۱۳۸۸  
۲۹۷/۴۸۲۲  
۱۸۷۸۱۲۴  
۹۷۸-۹۶۴-۷۸۳-۴۷-۲

سرشناسه:  
عنوان و نام پدیدآور:  
مشخصات نشر:  
مشخصات ظاهری:  
وضعیت فهرست نویسی:  
موضوع:  
موضوع:  
رده بندی کنگره:  
رده بندی دیویی:  
شماره کتابشناسی ملی:  
شابک:

## مشکلات حکومت دینی

علی صفایای حائری (عین-صاد)

- چاپ هشتم: ۱۴۰۲
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۱۰۰۰
- تلفن مرکز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱
- همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است



انتشارات لیلۃ القدر  
۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸



انتشارات ذکرا  
۰۲۱-۸۶۰۴۵۷۸۰

## فهرست

۱۱	مقدمه ناشر
۱۷	آغاز سخن
۱۹	مروری بر اهداف حکومت دینی
۲۲	مروری بر مشکلات

## مشکلات حکومت دینی (در فرض حاکمیت)

۳۳	الف: ظلم‌ها
۳۶	حقوق مردم بر امام
۳۶	۱. عشق و دلسوزی
۳۷	۲. باروری و بازیافته‌ها
۳۷	۳. بینش دادن
۳۸	۴. ادب کردن
۳۹	حقوق امام بر مردم
۳۹	۱. وفای به عهد
۳۹	۲. دلسوزی فراگیر

۴۰. اجابت و اطاعت ۳ و ۴
۴۰. شیوه‌های مقابله با ظلم
۴۸. ب: سستی و کوتاهی
۵۰. ج: تیه و سرگردانی
۵۳. د: پراکندگی و تشتت
۶۱. ه: گروه‌های سست عنصر
۶۲. طعنه‌زنان
۶۵. عیب‌جویان
۶۶. منحرفین
۶۷. رویاه صفتان
۶۹. و: ویژگی‌های متعارض
۷۴. ز: تذبذب و شاق
۷۹. بازوان حکومت عالی
۸۲. ویژگی‌های ایجابی
۸۵. ۱. انصار و یاورانی برحق
۸۵. معنا و مراحل نصرت
۸۸. معنای حق
۸۸. رقیب‌های حق
۸۹. ۲. برادری و اخوت در دین
۹۵. ۳. حافظ ولی در برابر دشمن
۹۶. ۴. پوشش ولی در برابر مردم
۹۷. ۵. صاحب اندیشه‌های زاینده و مبارک
۹۸. ۶. شکیبیا و برتر از حوادث
۱۰۱. ۷. پافشاری برگفتار به حق
۱۰۱. ۸. دوری از تجاوز و زیاده‌خواهی
۱۰۲. ۹. وجودهای بیدار، پرکار و پنهان
۱۰۳. ۱۰. چراغ‌ها و نشانه‌های هدایت



۱۰۴	_____	ویژگی های سلبی
۱۰۴	_____	۱. فتنه نکردن
۱۰۴	_____	۲. پخش نکردن اسرار
۱۰۷	_____	مالک اشتر، نمونه بارز
۱۰۷	_____	برتری مالک
۱۰۹	_____	سخن دل
۱۱۵	_____	مراتب اطمینان

### مشکلات حکومت دینی (در فرض انحراف)

۱۲۹	_____	درمان انحراف
۱۳۲	_____	تاریخچه و سیر انحراف
۱۳۷	_____	انحراف از حکومت دینی
۱۳۸	_____	مسئله انحراف و شیخ خاص های بحث
۱۴۹	_____	مشکلات انحراف
۱۴۹	_____	الف: دوره اول
۱۴۹	_____	سیاهی کور
۱۵۰	_____	ضلالت
۱۵۴	_____	ظلمت
۱۵۶	_____	پیامدهای ضلالت و ظلمت
۱۵۶	_____	سکولاریسم یا دنیایی شدن دین
۱۵۸	_____	کثرات گرایی
۱۵۹	_____	تأویل نص و بدعت
۱۶۳	_____	الف: دوره دوم
۱۶۳	_____	خشونت
۱۶۴	_____	آثار خشونت

۱۶۴	۱. اشتباه و انحراف
۱۶۵	۲. سرکشی
۱۶۵	۳. بی‌ثباتی
۱۶۵	۳. به چپ و راست زدن
۱۶۹	وادادگی و تبعیض در خشونت
۱۷۱	جایگاه خشونت
۱۷۱	شورای عمر
۱۷۷	ج: دوره سوم
۱۷۷	اشرافیت
۱۷۸	آثار اجتماعی اشرافیت
۱۷۹	جوامع اشرافی و ایمانی
۱۸۹	د: دوره چهارم
۱۸۹	سفاک‌ها
۱۹۴	برتری اهل بیت

### مشکلات حکومت دینی (در فرض اجرای سالم) ولی طهارت

۲۰۱	خاستگاه مشکلات
۲۰۳	۱. فرصت ندادن به استعدادها
۲۰۴	۳. توزیع بی‌حساب امکانات
۲۰۶	۴. غفلت از زایش بی‌امان دشمن
۲۰۹	۵. غفلت از زایش خود
۲۱۰	۶. برخورد های یکسان و ناهمگون
۲۱۱	۷. توجیه و برون‌فکنی
۲۱۱	۸. نداشتن طرح و برنامه
۲۱۲	تاریکی، زمینه‌ساز روشنایی

- ۲۱۷ \_\_\_\_\_ انتظار و شکل عمل  
۲۱۸ \_\_\_\_\_ ورع و اجتهاد  
۲۱۸ \_\_\_\_\_ عفت  
۲۲۰ \_\_\_\_\_ سداد  
۲۲۰ \_\_\_\_\_ زمینه‌های رویش و جلوه‌های کمک به ولی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

### مقدمه ناشر

... ولی افتاد مشکلها

مشکلات حکومت دینی و ثبوت حکومت در دین و داعیه حکومت داشتن دین است که آیا دین می تواند حکومت داشته باشد و آیا دین چنین ادعایی را دارد و یا این چیزی است که ما به ریش دین بسته ایم؟ و حکومت دینی وصله ناچسبی است که به دین چسبانده اند و به تعبیر خود استاد آیا حکومت دینی معنایی دارد؟ آیا این دو با هم جمع و ترکیب می شوند؟ آیا حکومت دینی مثل کوسه و ریش پهن نیست؟ آیا دین در این وسعت که از توتم تا ادیان هندو و بودایی و ودایی و چینی و ژاپنی را شامل می شود و ادیان و حیانی مثل یهودیت و مسیحیت و اسلام را در برمی گیرد، با حکومت سازگار است؟ آخر مگر نه حکومت، کاری روزمره و عادی است و دین،



امری قدسی و غیر عادی؟ پس چگونه حکومت، دینی می‌شود؟ استاد در جواب این پرسش‌ها و ده‌ها شبهه مطرح شده و برای اثبات این حقیقت و سیر شکل‌گیری حکومت دینی به تفصیل در کتاب «از معرفت دینی تا حکومت دینی» قلم زده و از بسیاری از حقایق پرده برداشته و رازهای ناگشوده را گشوده است.<sup>۱</sup>

از جمله به دو نگاه شیعی در عصر غیبت پاسخ داده‌اند؛ یک نگاه که به استناد روایت: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»<sup>۲</sup>، هر پرچم و هر جریانی را که در دوران غیبت برافراشته شده و قیام نماید حتی اگر مقبولیت هم داشته باشد، بدون مشروعیت و طاغوت است. استاد به این نگرش این‌گونه پاسخ می‌دهند: آن‌جا که پذیرش جهانی برای حکومت مهدی نیست، نمی‌توان از پدیده‌های مقطعی و منطقه‌ای چشم پوشید، بلکه باید از این امکان استفاده کرد و به زمینه‌های بیشتر و گسترده‌تر دست یافت. و آن‌چه در این روایت نفی شده این است که در این مرحله به خویشان دعوت کرد و از معصوم چشم پوشید، که دعوت به خویشان و بالا بردن پرچم و استقلال در حکومت، همان طاغوت‌تراشی و حمایت و دعوت به طاغوت است.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: از معرفت دینی تا حکومت دینی، ص ۱۱۳ از همین قلم، انتشارات لیلة القدر.

۲- کافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

۳. ر.ک: درس‌هایی از انقلاب، تقیه، ص ۲۱۳ از همین قلم، انتشارات لیلة القدر.

بنابراین، تلاش برای تشکیل حکومتی که به معصوم دعوت نموده و زمینه‌ساز حاکمیت او باشد ضروری و مشروع است و آن چه نامشروع می‌باشد دعوت به خویش است.

نگاه دیگر در حوزه شیعی این است که تشکیل حکومت توسط غیر معصوم اگر چه مشروع هست و منعی ندارد ولی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

در جواب این دیدگاه نیز می‌گویند: نمی‌توان به خاطر سوء استفاده، نصرت و هدایت را مخصوص به معصوم دانست و دیگران را از هدایت و نصرت برکنار دانست. آن‌جا که وعی و فقه نباشد، از هدایت و آن‌جا که توجه به هدف نباشد از نصرت سوء استفاده می‌شود. و این سوء استفاده در معصوم و حتی از عنایات حق و هدایات او تحقق می‌یابد... و همین دلیل کافی است که مشکل در هادی و ناصر نباشد، در فاعل نباشد؛ که مشکل در قابل با تمامی دقت‌ها تحقق می‌یابد و این مشکل گاهی در نبود وعی و جامعیت و گاهی در چشم‌پوشی از موازین و گاهی در غفلت از شرایط و ملازمات سر می‌گیرد.

آن‌جا که امام صادق بر روی کفن اسماعیل می‌نویسند: «إِسْمَاعِيلُ يَشْهَدُ بِكَذَا»<sup>۱</sup> و بعد می‌بینیم که بسیاری از اخباریین بر روی جنازه مادر پیر و دختر جوان خود می‌نویسند: «إِسْمَاعِيلُ يَشْهَدُ بِكَذَا» این

انحراف و یا اشتباه، از نقص و ضعف در عمل معصوم نبوده؛ که تعبد و تعصب و احتیاط کار را به این جا می‌کشاند که تو کلام معصوم را تغییر ندهی و بر آن پافشاری نمایی، در حالی که موضوع آن کلام و شرایط و حدود آن را در نظر نگرفته‌ای!

استاد بعد از اثبات قاطع حکومت برای دین؛ اعم از حکومت معصوم که منتصب از جانب وحی است و غیر معصوم که انتساب به معصوم را دارد، در نوشته‌ای دیگر به اهداف بلند حکومت دینی پرداخته و در محرم سال ۱۳۷۶ در این باره به تفصیل سخن گفته‌اند، که این مجموعه در لیلۃ القدر در دست تحقیق می‌باشد.

بی‌شک طرح حکومتی وسعت و داشتن اهدافی به این بلندا مشکلاتی را در پی خواهد داشت؛ چه آن جا که حاکم، امام معصومی چون علی باشد و یا کسانی که در برابر علم قد علم کرده و غاصب باشند و یا کسانی باشند که به امر معصوم و برای دعوت به او تشکیل حکومت داده‌اند. از این جهت استاد در سه حوزه به بررسی مشکلات حکومت دینی پرداخته‌اند:

حوزه اول، بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض حاکمیت معصومی چون امیرالمؤمنین علی است.

حوزه دوم، بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض انحراف از سنت معصوم و گرفتار شدن به بدعت است.

حوزه سوّم، بررسی مشکلات حکومت دینی در فرض حاکمیت سالم، ولی ضعیف می باشد.

از این مجموعه، مشکلات حکومت دینی در فرض حاکمیت معصوم و در فرض اجرای صحیح ولی ضعیف، از سخنرانی های استاد در رمضان سال ۱۳۷۷ می باشد و بررسی همین مشکلات در فرض انحراف و بدعت از سخنرانی های ایشان در محرم سال ۱۳۷۸ می باشد.<sup>۱</sup>

اکنون به حمد و عنایت خدای متعال با همه مشکلاتی که در تنظیم آن بوده، به سامان رسیده و در اختیار مشتاقان این مباحث قرار می گیرد. به امید روزی که جهان در سایه حاکمیت معصوم به وسعتی برسد و از هر تنگنا و اسارتی کهالی بیاید.

آمِینَ یا رَبَّ الْعَالَمِینَ

۱. البته قسمتی از بحث مشکلات در فرض انحراف؛ یعنی انحراف از اهداف، از سنت، از مدیریت و رهبری و از ارزش ها، از سخنرانی های ایشان در شب ۲۷ رمضان سال ۱۳۷۷ است. ر.ک: ص ۱۲۳ از همین کتاب.



## آغاز سخن

ماه، ماه رمضان است [که در متون روایی با این اوصاف از آن یاد شده است]: «شَهْرُ الصِّيَامِ . شَهْرُ الْقِيَامِ . شَهْرُ الْإِنَابَةِ . شَهْرُ التَّوْبَةِ . شَهْرُ الْمُغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ شَهْرُ الْمُعْتِقِ مِنَ النَّارِ (ماه آزادی از آتش) وَ الْقَوْزِ بِالْجَنَّةِ» (و دستیابی به بهشت). «شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»<sup>۱</sup>.

یکی از برکات این ماه، همین تجمع و تکمیل ما نسبت به گفتگوهای یکدیگر است تا آماده شویم کلمات اهل بیت را بشنویم و به تأملات و تجربه‌هایی که برای هر کدام از ما اتفاق افتاده، مروری بکنیم.

این جمع‌ها گرچه در ظاهر، جمع‌های اتفاقی است ولی همه و همه نشان از عنایت و هدایت اولیای خدا دارد. من خود دیده‌ام که برای انسان برخوردهای دوری را در بیابانی با کسانی فراهم نموده‌اند

۱. مفاتیح الجنان، اعمال روزهای ماه رمضان.



تا بر او حجت را تمام کنند و به او بفهمانند باید چگونه باشد و چگونه زندگی کند و چگونه بمیرد.

این داستان، طولانی است، اگر فرصتی پیش بیاید می توان راجع به عنایت های حضرت حجت و هدایت های ایشان صحبت کرد. آن گاه می بینیم خیلی از چیزهایی که برای ما تصادفی و اتفاقی است، حساب شده است و برنامه ای به دنبال دارد.

من به رسم همیشه با دست های خالی، منتظرم. از روزی که به مشهد رسیدم (روز هفدهم) مروری بر نهج البلاغه داشتم و به فرازی از دعا های امیرالمؤمنین که در دعای مکارم الاخلاق نیز هست، نگاهی کردم و این اولین عیبی بود که برای خودم خیلی سازنده بود. اکنون فهرستی از آن چه در این روز اتفاق افتاده را می گویم:

حضرت تعبیری دارند و می فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْإِسْتِغْرَارِ وَ لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ فَأَسْتَرْزِقَ طَالِبِي رِزْقَكَ وَأَسْتَغْفِرُ شِرَارَ خَلْقِكَ وَ أَتْلُو بِحَمْدِكَ مَنْ أَعْطَانِي وَ أَفْتِنَنِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ لِيُ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنَعِ»<sup>۱</sup>؛ خدایا! با عنایت خودت و با راحتی که برای من فراهم می کنی، چهره و صورت مرا کریه و زشت نکن. به تعبیر فارسی آبروی ما را نریز. با سخت گیری هایی که بر من می کنی، شخصیت مرا مبتذل نکن تا نتیجه این فراز و نشیب این شود که من دست تو را گم کنم؛ به نعمت مغرور شوم و یا به نعمت مشغول شوم و

از کسانی که به من بخشیده‌اند تعریف کنم و از کسانی که مرا محروم کرده‌اند، بدگویی کنم در حالی که این تو بودی که کاسه‌ها را شکستی و جام‌ها را پر و خالی کردی: «وَأَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَلِيُّ الْأَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ»؛ دادن‌ها و گرفتن‌ها به تو برمی‌گردد.

بعد از این فراز از دعا به خطبه‌های ۹۷، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۱۸ و ۱۱۹ نهج البلاغه برخورد کردم.

قبل از توضیح این خطبه‌ها و بیان مشکلات علی و حکومت دینی، به بحث اهداف حکومت دینی که در سال‌های گذشته از آن گفتگو کردیم مووری می‌کنیم تا مشکلاتی که با توجه به این اهداف شکل گرفته، تبیین شود و ارتباط مباحث روشن گردد.

### مروری بر اهداف حکومت دینی

هدف حکومت دینی مشکل ساز است؛ چرا که هدفی بالاتر از پاسداری و پرستاری است و یکی از اهداف آن، تعلیم است.

حضرت حقوقی را بر والی می‌شمارند که از جمله آن‌ها تعلیم است. ایشان می‌فرمایند: «تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا»؛<sup>۱</sup> من مکلف هستم تا به شما آگاهی بدهم.

منظور از تعلیم، تعلیم علوم و صنایع نیست، بلکه آن بینشی است که باید آدمی پیدا کند تا بیاموزد که چگونه نگاه کند، چگونه تعقل

۱. از جمله سخنرانی‌های استاد که در محرم سال ۱۳۷۶ ایراد شده و در دست تحقیق است.

۲. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۳۴.

کند، چگونه دوست داشته باشد و...

ما حتی این هدایت‌های اولیه را نداریم!

هدف دیگر حکومت دینی، تأدیب است که حضرت در همان بیان

سابق می‌فرماید: «وَأْتَدِيبُكُمْ كَيْمَاتُ عَلْمُوا».

تأدیب‌ها متعدد است و اقسام آن از دعای ابو حمزه به دست

می‌آید: «إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ».

تأدیب می‌تواند با عقوبت باشد؛ مرا را می‌کند تا با رنجی که از

دیوار می‌بینم و با سری که از دیوار می‌شکند، بیدار شوم.

«وَلَا تَمَكُرْ بِي يَا حَيْلَتِكَ»؛ خدایا! آن‌جایی که تو بین من و

بت‌هایم حایل می‌شوی؛ بگذار منم که تو مرا بیدار می‌کنی. مگر تو

باعث نشود که من این حایل را نبینم.

تأدیب می‌تواند با عشق، با محبت، با احسان، با نیکو و یادآوری

باشد: «إِلَهِي أَدِّبْنِي بِمَحَبَّتِكَ، أَدِّبْنِي بِإِحْسَانِكَ، أَدِّبْنِي بِعِنَايَتِكَ»، تا

آدمی بیاموزد که با هر کدام از این عوامل چگونه باید رفتار کند.

اگر به خودمان برگردیم، می‌بینیم که خیلی وحشی هستیم و اگر

مایه و زمینه خوبی هم داشته باشیم، آن قدر باید تراشیده شویم و آن

قدر باید ضربه بخوریم تا شکل بگیریم و جهت پیدا کنیم و به راه

بیفتیم؛ چرا که هزارها بت و هزارها مانع داریم. دو قدم که برمی‌داریم،

زیبایی ساق و کفش و کلاه، ما را می‌گیرد. شکممان ما را زمین می‌زند

و غضبمان ما را زمین‌گیر می‌کند.



واقع امر این است که مسکین ایم و نشسته ایم. سکنی گرفته ایم و سنگین هستیم و بیچاره ایم و این بدبختی را پذیرفته ایم و اگر در این شب‌های قدر به خودمان فکر نکنیم، فراغت‌های بیشتری پیدا نخواهیم کرد؛ به خاطر همین در این بحث‌ها جدای از طرح کلی مسائل و مشکلات حکومت دینی به مشکلاتی می‌پردازیم که در خود ما شکل گرفته و از مسائلی گفتگو می‌کنیم که با آن درگیریم و تازه اگر سیاسی هم باشید و نگاه سیاسی هم داشته باشید، قطعاً برایتان مفید است و مسائل امروز را نیز حل و فصل می‌کند. این حرف‌ها گرچه وجهه تاریخی دارد اما به این نکته که من امروز چه کنم هم راه‌گشا است!

یکی از اهداف حکومت اسلامی این است که مردم خود قیام به قسط کنند؛ «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup>. و این همان است که تنها باید به انتخاب تو باشد؛ چرا که کافی نیست در تو تلخین ایجاد کنند یا حتی زمینه‌های مخالف را درو کنند و کنار بگذارند.

معاویه می‌تواند دشمنان خودش را دانه‌دانه قلع و قمع کند و زمینه‌های مختلفی را بر اساس نابودی آن‌ها فراهم کند، ولی علی

۱. اشاره به یکی از بحث‌های مطرح آن زمان تحت عنوان گفتگوی تمدن‌ها که استاد در بحثی تحت عنوان تبیین و صف و قتال، به آن پرداخته‌اند، که چگونه بعد از گفتگو و تبیین، صف و جبهه‌بندی و بعد از صف، قتال و درگیری پیش می‌آید. این طور نیست که کار بعد از گفتگو همیشه به صلح و صفا ختم شود. تعبیر «... فَأَلَى الْجَنَّةِ وَ... فَأَلَى النَّارِ. همان، خ ۱۱۹»، در بیان حضرت نیز حاکی از این معنا است. ر.ک: روزهای فاطمه، ص ۷۵ - ۸۱؛ تطهیر با جاری قرآن، ج ۲، ص ۲۹۹، سوره کافرون، از همین قلم، انتشارات لیلۃ القدر.

نمی‌تواند، حتی اگر دشمنانش جلوی دست او باشند.  
 مشکل حکومت علوی در همین است که تا مردم امکان اتخاذ و  
 انتخاب نداشته باشند و تا «هَدْيَانَاهُ التَّجْدِيْنَ»<sup>۱</sup> نباشد، آن‌ها آدم نیستند  
 و حکومت، حکومت بر آدم‌ها نیست، بلکه یک عده گاواند، دامداری  
 بزرگی است پا هدف رفاه و تهیه امکانات که بخورند و شیر و کشک و  
 پشمشان مورد استفاده قرار گیرد.

بین این دو نوع حکومت، فاصله بسیار زیادی است!

### مروری بر مشکلات علی

علی بر خلاف دوره رسول و دوره خلفا مشکلاتش دو برابر است؛  
 چراکه در دوره رسول اگر چه جنگ، جنگ با برادر، اقوام و خویشان  
 است، اما همراه غنیمت است و در دوره خلفا غنیمت فراوان  
 است که جنگ نیز با غیر برادر و با ایران و روم است، ولی جنگ علی  
 از یک طرف با برادران است و از طرف دیگر هم غنیمتی را به همراه  
 ندارد.

حال ببینید که وقتی علی می‌خواهد مجاهدی را به پا کند، چه رنج  
 سنگینی بر دوش اوست. این مجاهد را با چه آدابی، با چه عشقی، با  
 چه زهدی و با چه ایمانی باید تربیت کند که هم غنیمت نخواهد و هم  
 در برابر برادرش بایستد و بجنگد.



این جاست که علی فریادش بلند است و می‌گوید: «وَلَقَدْ سَمِئْتُ عِتَابَكُمْ»<sup>۱</sup>؛ از این که با شما حرف می‌زنم، خسته‌ام.

این، حرف بزرگی است که آن کوه حلم و ظرفیت و آن معدن عشق و انگیزه، دیگر از همراهانش خسته شود و بگوید: «وَاللَّهِ لَوْلَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعَدُوَّ وَ لَوْ قَدْ حُمَّ لِي لِقَاؤُهُ لَقَرَّبْتُ رِكَابِي ثُمَّ شَخَصْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ»<sup>۲</sup>؛ به خدا قسم! اگر امید و احتمال این نبود که در هنگام درگیری با دشمن به شهادت برسم - که عشقم به این لقاء است - سوار بر مرکب می‌شدم و از شما دور می‌شدم و رهایتان می‌کردم؛ چرا که شما گامی بر نمی‌دارید.

زمان علی، هدف علی، حکومت علی و شکل و روش حکومت علی یک بحث است و مشکلات علی در رابطه با مردم دارد، بحث دیگری است. آن بحث‌ها در مناسبت‌های گوناگون مورد گفتگو قرار گرفته است و این بحث، بحث اصلی ما در این گفتگوهاست که از دریچه و منظری به آن نگاه می‌کنیم که ضمن طرح آن، مشکل خودمان نیز شناسایی و حل شود.

مسئله این است که اگر بنا شد مروری بر نهج البلاغه داشته باشیم طبیعتاً باید با گفتگویی که حضرت از یاران و مشکلاتشان دارند، آشنا شویم. در این جا دو دسته فهرست مطرح است:

دسته اول، دوازده مشکل با کسانی است که حضرت از آن‌ها خوف

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۳۴.

۲. همان، خ ۱۱۹.

دارد، پراکنده هستند و تیه و سرگردانی و... دارند. از آن طرف هم کسانی هستند که بار علی را به دوش گرفته‌اند و علی با آن‌ها مُدبِر و پشت‌کننده به حق را کنار می‌گذارد و مطیع را سامان می‌دهد.

دسته دیگر هم مسائلی است که اگر اجرای مناسب حکومت دینی تحقق پیدا نکرد، بروز و ظهور پیدا می‌کند. اگر به این مسائل توجه نکنیم همه گرفتار می‌شویم. این طور نیست کسی بخواهد بر کناره عافیت یا در ساحلی برکنار از مشکلات بنشیند؛ چراکه این مشکلات خواه‌ناخواه برای همه خواهد بود و همه باید این بار را به دوش بکشند؛ حال سه‌جلی از کلاه داشته باشند یا نداشته باشند، از نمود چیزی برده باشند یا نبرده باشند. این‌ها چیزی نیست که تنها به یک دسته برگردد و برای یک عده باشد.

این خصوصیتی است که علی بیان کرده و این همست‌ها، بارهای سنگینی است که باید نفی و اثباتش را در خودمان بررسی کنیم، آن هم در این شب‌های قدر. و به همین جهت تکرار می‌کنم: بحث تاریخی نیست، بحث این نیست که بخواهم مقطعی از زمان و عمر شما را بگیرم و چند جمله‌ای گفته باشم؛ چراکه نه حالی برای ما باقی مانده است و نه فراغتی و نه شرایط مناسبی برای گفتگو.

این مجموعه، مسائلی نیست که بخواهم از آن‌ها بگذرم، که توجهم به مشکلاتی است که بیشتر به خود ما برمی‌گردد.

در خطبه‌هایی که اشاره شد<sup>۱</sup>، حضرت از اصحاب خودشان و از اصحاب رسول خدا گفتگو می‌کنند و از گرفتاری‌های خودشان و از یاران خوب و بدشان حکایت می‌کنند.

در این خطبه‌ها امیرالمؤمنین در کنار بازگویی مشکلات حکومت دینی، از یارانی گفتگو می‌کند که می‌توان آن‌ها را بازوهای حکومت دینی دانست.

این مجموعه، مروری است که به این خطبه‌ها داشته‌ام. وقتی این خطبه‌ها را با نگاه سریعی مرور کردم و کارم تمام شد، دیدم فهرستی از مشکلات علی<sup>علیه السلام</sup> گرد آمده است؛ مشکلات علی، مشکلات حکومت علوی، اصلاً مشکلات حکومت دینی، آن هم در فرضی که علی حاکم است؛ یعنی آن‌جا که انحراف از اهداف نیست، از قله‌ها تخفیف داده نشده، فرصت داده‌اند، امکان داده‌اند و همین‌ها می‌کرده‌اند.

مشکلات علی، مشکلات علی است بدون این که از مسیر برگشته باشد و حتی بر مورچه‌ای ستم کرده باشد و دانه‌ای را از دهان او گرفته باشد یا دنیا در چشم علی از استخوان در دست جذامی عزیزتر شده باشد و یا حکومت بر مردم از آب بینی بزر برای او شیرین‌تر شده باشد! بحث بازگشت و انحراف نیست<sup>۲</sup>، بحث مشکلات حکومت علوی بدون هیچ‌گونه تخفیف و انحراف و بدعت و فتنه و گرفتاری است؛ یعنی در فرض اجرای صحیح و پیاده شدن درست و رهبری

۱. همان، خطبه‌های ۹۷، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹.

۲. ر.ک: بخش دوم از همین کتاب، ص ۱۲۱.



مناسب. علاوه بر این مشکلات، مشکلاتی هم هست که به خاطر ضعف‌ها و کوتاهی‌ها یا به خاطر ناتوانی‌ها و چشم‌پوشی‌ها یا حتی به خاطر انحراف‌ها و ارتجاع‌ها و بازگشت‌ها و به زبان قرآن، انتکاث‌ها می‌تواند تحقق پیدا کند.

این‌ها تعبیرهایی است که خود امیرالمؤمنین دارند:

جلو افتادن آن‌هایی که باید عقب می‌مانند؛ «وَلَيْسِيَقِيَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا وَ لَيَقَصِّرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبْقًا»<sup>۱</sup>؛ باید جلو بیفتند آن‌هایی که عقب نگه داشته شده بودند و کسانی که جلو افتاده بودند، باید عقب نگه داشته شوند.

www.ketab.ir

دست شستن از اهداف  
فرصت ظهور و بروز ندادن به استعداد های آماده.

دل خوشی به تملق‌ها.

گرفتار شدن در حلقه محاصره مجموعه‌هایی که تنها نمی‌آیند، مجموعه هستند نه یک نفر، و از همه اطراف راه پیدا می‌کنند.

توزیع بی حساب امکانات که باعث زایش توقع‌ها می‌شود - مشکلاتی که شاهدش هستیم - و دنیا طلبی آزاده‌ها را به دنبال دارد؛ همان کسانی که از خیلی چیزها گذشته بودند، ولی وقتی به دنیا روی آوردند، سخت روی آوردند و بد، بدی کردند.

تظاهر و ریاکاری دنیا طلب‌ها؛ آن‌هایی که عاشق دنیا هستند، بازی

در می آورند، زهد می ورزند تا بیشتر و بهتر ببرند<sup>۱</sup>.

این ها همه مشکلات علی است.

در کنار این جریان، به نکته هایی که امیرالمؤمنین درباره یاران شان اشاره کردند و به مشکلاتی که با آن درگیر هستند و به مشکلاتی که با ضعف های اجرایی و چشم پوشی ها و دست شستن ها، فرصت دادن ها یا ندادن ها به استعدادها برمی گردد، می پردازیم.

با این بیان، مطالب تقریباً مشخص شد. بنابراین اگر ما گفتگویی از مشکلات علی، مشکلات حکومت علی و مشکلات حکومت دینی داریم، به این ملاحظه است که آن چه را که به ما برمی گردد، مرور کنیم. اگر ما حکومت دینی را به گردن گرفتیم و پذیرفتیم و اگر خواستار این مسئولیت شدیم، چه بلایی بر روی امروز بر روی دوش ما خواهد آمد؟ این بارها به دوش کسانی می افتد که می خواهند قدمی بردارند و کاری کنند، آن هم در دوره های غربت و تنهایی و گرفتاری.

اگر این آمادگی را در این شب های قدر تحصیل نکنیم لحظه های دیگر ما، لحظه های غفلت بیشتر ماست؛ چرا که روزمره گی ها شدیدتر می شود. در زندگی فرو می رویم، بچه مریض می شود، یکی کفش می خواهد و دیگری کلاه... و فراموش می کنیم که چه باید بکنیم.

باید در شب های قدر تأملی داشته باشیم و در پی این باشیم که خصوصیات مطلوب را فراهم کنیم تا حکومت دینی و حکومت



علوی مشکل پیدا نکند و علی گرفتار نشود و از ما نترسد؛ چرا که این‌ها مشکلات خود ماست.

این نگاه را بیشتر از این زاویه تعقیب می‌کنم که شب قدر از آن شب‌هایی است که باید خودمان را جمع بندی کنیم. باید محاسبه کنیم که چه خصلت‌ها و خصوصیات در ما وجود دارد که ولی را مبتلا می‌کند؛ آن هم به ابتدائاتی که حضرت در خطبه‌های مختلف با تعابیر «مُنِيتُ» و «اِبْتِلَائِي» به آن‌ها اشاره دارد.<sup>۱</sup>

می‌خواهیم به مشکلات علی - با همه عصمت و صفا و وفایی که داشته - در رابطه با حکومت، آن هم در فرض اجرای سالم و می‌خواهیم به مشکلاتی که این حکومت در رابطه با یاران خوب و بد می‌تواند پیدا کند، مروری کنیم. این مباحثی است از گرفتاری‌های و مشکلات علی:

ظلم توده‌ها،

سستی و کوتاهی،

تیه و سرگردانی در رأی و عمل،

پراکندگی،

طعن و طنز،

عیب جوئی،

۱. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۹۷ و ۳۹ و ۱۸۰. علی می‌گوید: من مبتلا به کسی هستم که وقتی دستور می‌دهم، جواب نمی‌دهد. من به فرقه‌ای که پراکنده است، عقلش و اندیشه‌اش را ندارد و سنجش را ندارد مبتلایم و....

انحراف و کناره گیری،

فریب و مکر و نیرنگ،

کرهای شنوا،

لال‌های گویا،

کوران بینا،

فقدان حرّیت و آزادی، نبود وثاقت و اطمینان؛ (تذبذب و تهاق).

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)